

Research Paper

Investigating Iran's Economic Security Strategies through Resistance Economy and the 2025 Perspective Document



*Seyyed Fazlollah Mousavi¹ , Amir Lohrasbi² 

1. Professor, Public Law Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

2. MA Student in International Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran



Citation: Mousavi, S.F., & Lohrasbi, A. (2021). [Investigating Iran's Economic Security Strategies through Resistance Economy and the 2025 Perspective Document]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 8 (3), 482-508. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.102563>

 <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.102563>



Funding: See Page 505

Received: 1/10/2019

Accepted: 3/2/2019

Available Online: 22/9/2020

Article Type: Research Paper

Key words:

Economic policies;
economic security;
national power;
resistance economy;
2025 perspective
document

ABSTRACT

In the second phase of the Islamic revolution, economy has noted to be the most important concern. The higher documents and the advices of the supreme leader are testimonies to this concern. As noted in this study, economy can push the country to become the most powerful nation in the region and the world when it is overshadowed with stability and security. In fact, economic security insures the power of any country in the world. Therefore, the identification and prevention of the threats against the economic security of the country is not only important for achieving the 2025 perspective document, i.e. to become economically the most powerful country of the region, but also defines the power and national security of the country. The findings show that the internal economic challenges and political sanctions of the U.S and the west against Iran are the most internal and external threats for the country's economic security. The study analyzes the higher documents of the system, such as the macro-policies of the economic resistance and the 2025 perspective document, and indicates that the legal and economic strategies of these documents are to decrease the vulnerability of the economy to the minimum, so that the country can achieve its planned status in the national and international setting.

JEL Classification: F13, F51, F59, K33, K40

* Corresponding Author:

Seyyed Fazlollah Mousavi, PhD

Address: Tehran, Tehran University

Tel: +98 (21) 61112334

E-mail: fmousavi@ut.ac.ir

بررسی راهبردهای امنیت اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی و اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

* سیدفضل‌اله موسوی^۱، امیر لهراسبی^۲

۱. عضو حقوقدان شورای نگهبان و استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

با آغاز گام دوم انقلاب اسلامی، معضل اقتصاد به یکی از اصلی‌ترین مسائل کشور تبدیل شده است. اسناد بالادستی و همچنین فرمایش‌ها و تأکیدهای رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر همگی بر لزوم توجه جدی به این امر دلالت دارد. چنان‌که در این نوشتار توضیح داده شده است، اقتصاد هنگامی می‌تواند کشور را به قدرت اول منطقه و جهان تبدیل کند که از ثبات و امنیت لازم برخوردار باشد. در واقع امنیت اقتصادی تضمین‌کننده قدرت ملی هر کشور در جهان کنونی است. از این رو شناسایی و احصای تهدیدات علیه امنیت اقتصادی کشور نه‌تنها برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، یعنی رسیدن به قدرت اول اقتصادی در منطقه، ضروری است، بلکه قدرت و امنیت ملی کشور هم در گرو تحقق همین امر است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که چالش‌های درون‌ساختاری اقتصادی و سیاست‌های تحریمی آمریکا و غرب علیه ایران، اصلی‌ترین تهدیدات داخلی و خارجی امنیت اقتصادی کشور محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با بررسی اسناد بالادستی نظام، همچون سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، راهبردهای حقوقی و اقتصادی برآمده از این اسناد را برای به حداقل رساندن آسیب‌پذیری اقتصاد کشور ارزیابی کرده است تا از رهگذر آن قدرت و اقتدار کشور در عرصه‌های ملی و بین‌المللی ارتقا یابد.

طبقه‌بندی JEL: F13, F51, F59, K33, K40

تاریخ دریافت: ۹ مهر ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۴ بهمن ۱۳۹۸

تاریخ انتشار: ۱ مهر ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

کلیدواژه‌ها:

امنیت اقتصادی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی، راهبردهای اقتصادی.

* نویسنده مسئول:

دکتر سید فضل‌الله موسوی

نشانی: تهران، دانشگاه تهران

تلفن: ۶۱۱۱۲۳۳۴ (۲۱) ۹۸+

پست الکترونیک: fmousavi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

با شروع گام دوم انقلاب، مقوله اقتصاد کشور به اصلی‌ترین مسئله اساسی کشور تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که از یک سو با چالش‌های درون‌ساختاری اقتصادی مواجه است و از سوی دیگر چندین دهه است که با سیاست‌های تحریمی غرب دست‌وپنجه نرم می‌کند، ضروری است که مسئله اقتصاد را در اولویت اصلی خود قرار دهد. این موضوع به‌وضوح در فرمایش‌های مقام معظم رهبری و نام‌گذاری سال‌های اخیر با عناوین عمدتاً اقتصادی مشاهده می‌شود که خود بیانگر دغدغه و درک ایشان از ضرورت‌های اقتصادی کشور است. حال این سؤال مهم مطرح می‌شود که جمهوری اسلامی که قرار است در پایان سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به قدرت اول اقتصادی در منطقه تبدیل شود، چگونه قادر خواهد بود اقتصاد خود را تا این اندازه ارتقا بخشد و در این راستا با چه چالش‌ها و تهدیداتی روبرو خواهد بود. پاسخ این پرسش نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم سیاست‌گذاری و راهبردهای اقتصادی کشور دارد. با توجه به اینکه امروزه، به تعبیر رهبر معظم انقلاب، اتاق جنگ علیه کشور ایران به‌جای وزارت دفاع به وزارت خزانه‌داری دشمن انتقال داده شده است، یکی از گام‌های لازم برای نیل به چنین هدفی شناسایی و احصای تهدیدات داخلی و خارجی علیه امنیت اقتصادی و مقابله با آن در شرایط کنونی کشور است. درواقع امنیت اقتصادی از مؤلفه‌های اثرگذار قدرت و امنیت ملی است (Kindelberger, 1970, p. 5) که شدیداً مورد هجوم غرب و آمریکا واقع شده است. هر سرمایه‌گذار و بنگاه اقتصادی، اعم از داخلی یا خارجی، از بدو سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی تا رسیدن به مرحله بازده به‌دنبال امنیت است که با آن بتواند به فکر کسب سود در درازمدت باشد. درواقع توسعه و رشد اقتصادی کشورها تنها با حاصل شدن امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذار و رسیدن به مرحله بازده حاصل می‌شود. به‌طور خلاصه باید گفت امنیت اقتصادی مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری در هر کشوری است (زمانی، ۱۳۹۳، ص. ۳۵). براساس رده‌بندی صورت‌گرفته در پایگاه^۱ Doing Business، جایگاه کشور ایران جهت فعالیت سرمایه‌گذاران اقتصادی، از میان ۱۹۰ کشور جهان، صدوبیست‌وهشتم است.^۲ این یعنی اینکه تقریباً ایران محل امن و مناسبی برای فعالیت اقتصادی نیست. بدیهی است که با چنین جایگاهی، هیچ سرمایه‌گذار و تاجر اقتصادی رغبت نمی‌کند در ایران فعالیت‌های اقتصادی انجام دهد و این زنگ خطر جدی برای کشور محسوب می‌شود؛ چراکه خطر منزوی شدن

۱. مؤسسه‌ای است که با هدف ایجاد شاخصی استاندارد و با ارائه گزارش‌هایی درباره سبوت کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری، موانع یا ریسک‌های تجاری کشورهای جهان، به فعالان و سرمایه‌گذاران درباره سرمایه‌گذاری کردن یا نکردن توصیه می‌کند. برای مطالعه بیشتر رک:

<https://www.doingbusiness.org/en/about-us>.

2. <https://www.doingbusiness.org/en/data/exploreconomies/iran>

کشورهایی که قادر به انجام فعالیت‌های اقتصادی ثمربخش و جذب سرمایه‌گذار خارجی نیستند، به مراتب بیشتر از سایر کشورهاست (Stubbs & Underhill, 2006, p. 99). افزون بر این، عضو نبودن ایران در بعضی از موافقت‌نامه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی ممکن است این بحران را جدی‌تر کند. همچنین جذب سرمایه‌گذار خارجی در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران، چنانچه به‌موجب یک قرارداد مطلوب فی‌مابین طرفین صورت گیرد، چه بسا در مواردی دارای آثار مثبت کم‌نظیری باشد؛ چراکه بدین وسیله مهارت‌های نیروی کار داخلی افزایش می‌یابد و علاوه‌بر انتقال فناوری، ارتباط دو سویه‌ای بین تولید داخل و بین‌الملل صورت می‌گیرد. همچنین سرمایه‌گذاری توسط افراد خارجی باعث می‌شود صاحبان این سرمایه و حامیان آن‌ها در جهت تثبیت اقتصادی کشور میزبان تلاش کنند؛ ضمن اینکه با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، امنیت اقتصادی کشور هم افزایش می‌یابد. از پیامدهای منفی عدم رغبت سرمایه‌گذاری می‌توان به افزایش نرخ ارز، کاهش رشد اقتصادی و کاهش درآمد مالیاتی دولت اشاره کرد (زارع‌شحنه، هاتفی، جلالی و نصرالهی، ۱۳۹۷، صص. ۲۷۷-۲۷۸).

با اشاره به گوشه‌ای از ضرورت و اهمیت بحث امنیت اقتصادی و جایگاه ایران در این بحث، مطمئناً این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که چه عوامل و دلایلی امنیت اقتصادی کشور را، به‌رغم منابع طبیعی و انسانی سرشار، به مخاطره می‌اندازد. مقاله حاضر با رویکردی متفاوت با سایر آثار پژوهشی در این زمینه، ضمن شناسایی و احصای تهدیدات علیه امنیت اقتصادی کشور، راهبردهای برخاسته از سند چشم‌انداز و اقتصاد مقاومتی را بررسی کرده است. نوآوری اصلی پژوهش توجه جدی به ظرفیت‌های حقوقی و بین‌المللی برآمده از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که در تلاش است با استخراج مؤلفه‌های محوری حاکم بر هر یک از بندهای این سند، بتواند آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را به حداقل رساند.

۲. پیشینه تحقیق

زارع‌شاهی (۱۳۷۹) به بررسی رابطه دو متغیر سیاست و امنیت اقتصادی پرداخته و افزایش ضریب امنیت اقتصادی در کشور را در گروه کاهش ۴ گونه ریسک ملی که شامل سیاسی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی و نقدینگی می‌شود، دانسته است.

برومند (۱۳۸۷) در کتاب *امنیت اقتصادی در ایران* و چند کشور منتخب با اشاره به تبعات نبود فضای امن اقتصادی در کشور، اهمیت حیاتی این مقوله را در کشور روشن می‌کند. یکی از آثار زیانبار نبود امنیت اقتصادی در کشور، افزایش تمایل شهروندان به خرید دارایی‌های خارجی است که تبعاتی مانند کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز را به دنبال دارد. امروزه به‌شدت با این معضل در کشور مواجه هستیم. مؤلف راه رسیدن به امنیت اقتصادی را شناسایی و دفع تهدیدات علیه امنیت اقتصادی می‌داند که اقدام جدی

دولت را در این زمینه می‌طلبد.

رنجبر (۱۳۸۹) امنیت اقتصادی را از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها می‌داند؛ چراکه با حفظ سرمایه داخلی و جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی، مسیر توسعه اقتصادی کشور سریع‌تر طی خواهد شد. امنیت اقتصادی در کشور حاصل نمی‌شود، مگر آنکه در سیاست‌گذاری اقتصادی به این مقوله توجه جدی شود که متأسفانه تاکنون این چنین نشده است. از امنیت اقتصادی به «حلقه مفقوده در اقتصاد ایران» یاد می‌شود.

اخوان هزاوه (۱۳۹۴) در کتاب *بررسی حقوقی امنیت اقتصادی شاخص‌های امنیت اقتصادی* را بیان کرده است: ۱. برقراری ثبات سیاسی و سیاست‌گذاری اقتصادی؛ ۲. مشارکت مردمی در پرتو آزادی‌های مدنی، حقوقی و سیاسی؛ ۳. توان حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادهای کار و سرمایه توسط دولت؛ ۴. نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد مالی. مؤلف کتاب دستیابی به امنیت اقتصادی را بدون وجود قوانین و مقررات شفاف و باثبات امکان‌پذیر نمی‌داند و بیان می‌کند «چنانچه دولت‌ها در وضع و تغییر قوانین از اصول و قواعد مشخصی تبعیت نکنند، منجر به افزایش نااطمینانی در اقتصاد شده و هزینه مبادله و قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد. این امر منجر به کاهش قدرت رقابت در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای شده و درنهایت موجب کاهش میزان رفاه عمومی جامعه می‌شود».

کمالی‌زاده و عطار (۱۳۹۷) در کتاب *دولت و امنیت اقتصادی در ایران؛ الزامات سیاسی امنیت اقتصادی* با تأکید بر نقش دولت در عرصه توسعه اقتصادی نشان می‌دهند که دولت کارآمد می‌تواند به بهبود شاخص‌های عملکرد اقتصادی، مخصوصاً امنیت اقتصادی، کمک کند. دولت‌ها می‌توانند سطح امنیت اقتصادی کشور را افزایش دهند و برعکس دولت و بوروکراسی ناکارآمد باعث افول امنیت اقتصادی در کشور خواهد شد. در کتاب مذکور، کشور ایران به‌عنوان مورد مطالعاتی انتخاب شده است تا نقش ناکارآمدی دولت در کاهش سطح امنیت اقتصادی نشان داده شود.

۳. مبانی نظری

۳-۱. سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی

سیاست‌های کلی به مجموعه اولویت‌های پیش‌روی یک کشور در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد گفته می‌شود که به‌صورت جامع و کل‌نگر ذکر می‌شود. از این لحاظ، این مجموعه سیاست‌ها مفهومی کلی را در خود می‌گنجانند که جامع و کل‌نگر است و برنامه‌ریزان و مسئولان هر حوزه در راستای هر محور از این سیاست‌ها، باید در سطح

جزئی‌تر خط‌مشی‌گذاری کنند (کرمی و رسولی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۱). پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ - که سال بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است - سیاست‌های کلی نظام تعریف نشده بود. اما پس از بازنگری در قانون اساسی کشور، در بند ۱ اصل ۱۱۰ آن چنین ذکر شد: «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام از وظایف و اختیارات رهبری است». یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی که توسط مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۷ ابلاغ شد، سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی کشور است. امنیت اقتصادی مفهومی است که از دو بُعد می‌توان آن را تعریف کرد. از یک بُعد، امنیت اقتصادی به فراهم آمدن زمینه‌هایی برای تأمین معیشت و ارتقای شیوه زندگی مردم در یک جامعه از طریق تأمین کالا و خدمات گفته می‌شود (ماندل، ۱۳۸۷، ص. ۳۴). به عبارت دیگر در این تعریف، امنیت اقتصادی همان شرایط حیاتی اقتصادی هر جامعه است؛ به طوری که نیازهای ضروری مردم تأمین شود و فقدان و یا حتی احتمال فقدان این ضروریات مردم را نگران نکند و آرامش و آسایش از آن‌ها سلب نشود.^۳ اما از وجهی دیگر، امنیت اقتصادی به وضعی اطلاق می‌شود که در آن، سرمایه‌گذار و فعالان اقتصادی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی دست به برنامه‌ریزی درازمدت بزنند (زارع‌شاهی، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۶). لذا امنیت اقتصادی از این منظر، عبارت است از نبود ترس و خوف و حصول اطمینان و ایجاد بسترهای مناسب و زمینه‌های مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی جهت رسیدن به کسب سود در درازمدت (خسروی و لکزایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۹). لذا در بررسی تهدیدات علیه امنیت اقتصادی، باید به هر دو وجه از این مفهوم توجه شود.

۲-۳. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. به‌طور کلی اقتصاد مقاومتی به‌معنای انعطاف‌پذیری درمقابل شوک‌های خارجی و عکس‌العمل مناسب به آن برای کاهش اثرگذاری شوک‌های منفی بر اقتصاد است (حافظی

۳. این جنبه از مفهوم امنیت اقتصادی زیرمجموعه مفهوم جامع‌تری به نام امنیت انسانی قرار دارد که سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ پیرو گزارش برنامه توسعه انسانی خود آن را مطرح کرد. در این گزارش، امنیت انسانی به‌عنوان مرجع امنیت قرار گرفت که هفت زیرمجموعه شامل: امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت شخصی، امنیت جمعی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست‌محیطی و امنیت سیاسی را شامل می‌شود. برای مطالعه بیشتر رک:

United Nations Development Programme (1994). *Human Development Report 1994*. New York: Oxford University Press.

و گلی، ۱۳۹۶، ص. ۳). این سازوکار اقتصادی براساس فرضی پیاده‌سازی شده است که حداکثر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر فضای کشور حاکم باشد. در واقع «اقتصاد مقاومتی» بنیانی نظری و عملی برای مدل‌سازی گونه‌ویژه‌های از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها بیش از پیش آماده کرده است. سازوکارهای اقتصادی، فضای کسب‌وکار، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌های و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض عقیدتی دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریم‌های اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آن‌ها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آن‌ها را تسریع کرد (تراب‌زاده جهرمی، سجادیه و سمیعی‌نسب، ۱۳۹۲، ص. ۳۳) براساس این نظر و شیوه، اقتصاد مقاومتی به‌معنای تشکیل یک جریان اقتصادی فعال برای مقابله با هرگونه بحران است. شیوه‌ای که در برابر بحران‌های اقتصادی رویکردی فعالانه دارد (نه منفعلانه و ریاضتی) و می‌تواند بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی دشمن غلبه کند و موانع را برطرف سازد (عزتی، احمدی، انوری و اصغری‌هرندی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷). به عبارت دیگر، هدف اقتصاد مقاومتی تحقق اقتصادی درون‌زا و برون‌نگر با اتکا به اقتصاد دانش‌بنیان و تحقق اقتصادی مردمی، عدالت‌بنیان، شفاف و سالم با کاهش وابستگی درآمدی به صادرات نفت خام است (شقایق‌شهری و کریم، ۱۳۹۵، ص. ۶۴).

۳-۳. تحریم

به‌طور کلی تحریم را می‌توان به ۷ دسته تقسیم کرد: ۱. توقیف اموال و دارایی‌های افراد و سازمان‌های ایرانی در خارج؛ ۲. تحریم تجاری (صادرات و واردات) و سرمایه‌گذاری؛ ۳. تحریم دانش و تکنولوژی؛ ۴. تحریم نفتی؛ ۵. تحریم مالی و بانک‌های تجاری و بانک مرکزی؛ ۶. تحریم تعامل و دادوستد با افراد، ارگان‌ها و سازمان‌های ایرانی (اموال، تجارت، ویزا و رفت‌وآمد و...); ۷. تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی.

با توجه به نوع تحریم، تأثیرات آن به شرح زیر در اقتصاد نمایان می‌شود:

۱. تحریم‌های تجاری به‌شکل مستقیم، به‌دلیل وجود موانع قانونی کشورهای تحریم‌کننده باعث قطع و یا کاهش واردات این کشورها از کشورهای هدف می‌شود. از طرف دیگر افزایش ریسک واردکنندگان از کشور صادرکننده تحریم‌شده مانع صادرات غیرنفتی کشورها می‌شود که می‌تواند ناشی از ترس از تنبیه و تحریم کشورهای بزرگ اقتصادی باشد (کشورهایی نظیر ایالات متحده که اقتصاد بزرگی دارند؛ یعنی حجم صادرات و واردات آن‌ها بسیار چشمگیر است و برای اکثر بنگاه‌های اقتصادی مهم هستند).

۲. تحریم مالی، بانک‌های تجاری و بانک مرکزی امکان تجارت را برای صادرکنندگان کشورهای تحریم‌شده و واردکنندگان کشورهای مقصد بسیار سخت می‌کند و حتی از بین می‌برد.

۳. تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی باعث می‌شود دسترسی به بازار این کشورها یا منابع مالی تأمین سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یابد (حسنوند، حسنوند و نادمی، ۱۳۹۷، ص. ۶۶۹).

۴. روش تحقیق

مقاله حاضر با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، به تبیین و تشریح چگونگی و چرایی نبود امنیت اقتصادی در کشور پرداخته است. در این راستا، تلاش شده است با تحلیل و استخراج مضامین و مؤلفه‌های حاکم بر اسناد بالادستی و اقتصاد مقاومتی به این مهم پی برده شود. همچنین در مرحله تحلیل مباحث نظری از روش مصاحبه با خبرگان بهره برده شده است. در قسمت مطالعات توصیفی - تحلیلی، از اطلاعات گردآوری شده به شیوه کتابخانه‌ای که مبتنی بر منابع چاپی و دیجیتال بوده‌اند، استفاده شده است. سؤال اصلی پژوهش در این تحقیق چرایی نبود امنیت اقتصادی کافی در کشور است. برای تبیین و توجیه چرایی این مسئله نیاز بود تا به استدالات محکم و متقنی تکیه شود. این استدالات از طریق تحلیل منابع نظری همچون سند سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، گزارش‌های نهادهای رسمی و مصاحبه خبرگان تدوین شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نادرست و تحریم‌های اقتصادی مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار داخلی و خارجی در ناامنی و بی‌ثباتی فضای اقتصادی کشور است. در ادامه با تتبع در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سند ۱۴۰۴، راهکارهای مقابله با عوامل مذکور تبیین و تحلیل شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. بی‌ثبات اقتصادی؛ مهم‌ترین تهدید داخلی علیه امنیت اقتصادی کشور

سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی اتخاذشده از سوی دولت باید از ثبات نسبی و پایدار برخوردار باشد. ثبات قوانین یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد پویا، کارآمد و عادلانه است. توجه به این ضرورت در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و امنیت اقتصادی مشخص است. در ذیل بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به ایجاد ثبات رویه و مقررات تأکید شده است.^۴ همچنین

۴. ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» توسط مقام معظم رهبری، در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>

در بند ۳ سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی^۵ تصریح شده است: «قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی باشد». متأسفانه قانون‌گذاری‌های اقتصادی کشور از تأمل و دقت و کارشناسی لازم برخوردار نبوده و از انفعال‌های سیاسی و بحران‌های مقطعی به دور نیست و تحت تأثیر شرایط خاصی، بدون آنکه همه جوانب و ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسئله دیده شود، صورت می‌گیرد. در نتیجه در قوانینی که تنظیم می‌شود، سیاست‌های همگنی دنبال نمی‌شود و همین مسئله ناهماهنگی بین اجزای مختلف اقتصادی را ایجاد می‌کند (رهبر، مظفری‌خامنه، محمدی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۷). برای سرمایه‌گذار و فعال اقتصادی ضرورت دارد که قوانین و سیاست‌های اقتصادی مربوطه حداقل در دوره پنج‌ساله تغییری نکند تا بتواند دست به برنامه‌ریزی درازمدت بزند. بدین ترتیب، قوانین باید از یک‌پارچگی و ثبات قانونی برخوردار باشند تا فعالان اقتصادی بتوانند در محیطی امن به فکر کسب سود باشند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «ثبات و انسجام باید در مقررات اقتصادی دیده شود؛ مقررات اقتصادی‌ای که امروز یک چیزی بگوییم، فردا عوضش نکنیم، فایده‌ای ندارد. مقررات اقتصادی و قوانین ما باید هم ثبات داشته باشد که مردم بتوانند روی آن برنامه‌ریزی کنند، هم باید منسجم باشد و با هم بخواند و شفاف باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹). از جمله مواردی که سبب بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور شده، اصلاح مکرر قوانین و پراکندگی آن است.

۵-۱-۱. اصلاح مکرر قوانین

اگر قوانین دائماً تغییر کنند و اصلاح شوند، پیش‌بینی‌پذیری فضای کسب‌وکار مختل می‌شود و امکان فعالیت اقتصادی مطمئن فراهم نخواهد شد. امروزه صاحب‌نظران اقتصادی و حقوقی بر این گزاره اتفاق نظر دارند که ثبات و همچنین شفافیت قوانین و مقررات از مهم‌ترین عوامل در تأمین امنیت اقتصادی کشور است. ثبات قوانین محیط اقتصادی را برای فعالیت‌های اقتصادی تثبیت می‌کند و شفافیت قوانین امکان برنامه‌ریزی دقیق را فراهم می‌آورد. در محاسبات یک تحقیق علمی نشان داده شده است که بعد از انقلاب اسلامی، مجلس سالیانه به‌طور متوسط ۳۸ مورد مصوب اصلاحی یا الحاقی به قوانین داشته است. این آمار گویای آن است که قوانین بعد از انقلاب عمر کوتاه‌تری داشته‌اند. فقط کافی است به یک مورد از چنین اصلاحیات مکرر قانون اشاره کنیم تا متوجه نبود سیاست‌گذاری باثبات و همگن در کشور شویم. در جدول ۱، اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های مربوط به تغییرات مکرر قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ را مشاهده می‌کنید (مرکز مالگیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۱).

۵. این مجموعه سیاست‌ها در قالب مجموعه «سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در موضوعات امنیت اقتصادی، انرژی، منابع آب، بخش معدن، منابع طبیعی و بخش حمل‌ونقل» در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۳ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است.

جدول ۱. اصلاحیه و الحاقیه‌های قانون تأمین اجتماعی

ردیف	عنوان قانون	تاریخ تصویب
۱	قانون اصلاح بند «ب» و تبصره «۳» ماده (۴) قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴	۱۳۶۵/۶/۳۰
۲	قانون اصلاح لایحه قانونی شمول مواد (۶۰)، (۷۰)، (۷۲)، (۷۳)، (۷۴)، (۸۰)، (۸۱)، (۸۲) و (۸۳) قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ درباره کلیه بیمه‌شدگانی که در جریان انقلاب اسلامی دچار نقص عضو، از کارافتادگی جزئی یا از کارافتادگی کلی گردیده یا به درجه شهادت رسیده‌اند.	۱۳۷۰/۵/۸
۳	قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶)	۱۳۷۱/۱۲/۱۳
۴	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی	۱۳۷۲/۲/۲۶
۵	قانون الحاق یک تبصره به بند «۱» ماده (۸۱) قانون تأمین اجتماعی	۱۳۷۴/۶/۲۱
۶	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی	۱۳۷۶/۷/۱
۷	قانون اصلاح مواد (۴۳)، (۴۴) و (۸۰) قانون تأمین اجتماعی	۱۳۷۶/۷/۲۷
۸	قانون الحاق یک تبصره به لایحه قانونی اصلاح ماده (۵) قانون تأمین اجتماعی	۱۳۷۷/۱۱/۴
۹	قانون الحاق یک تبصره به عنوان تبصره «۲» به ماده (۳) قانون تأمین اجتماعی	۱۳۷۹/۸/۸
۱۰	قانون اصلاح تبصره «۲» الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱	۱۳۸۰/۷/۱۰
۱۱	قانون اصلاح تبصره «۳»، بند «۳»، ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶	۱۳۸۶/۳/۲۲
۱۲	قانون اصلاح قانون تأمین اجتماعی و برخی قوانین مربوط به منظور تشویق کارفرمایان به تأدیه دیون معوقه سنواتی بابت حق بیمه و بیمه بیکاری کارکنان	۱۳۸۷/۱/۲۵
۱۳	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ و ماده (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۱۳۸۷/۲/۱۸
۱۴	اصلاح آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده‌واحد قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ - مصوب ۱۳۸۰	۱۳۸۷/۱۱/۷
۱۵	اصلاح آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده‌واحد قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی	۱۳۸۹/۶/۱
۱۶	اصلاح آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده‌واحد قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ - مصوب ۱۳۸۰	۱۳۹۳/۵/۲۶

با توجه به دو قانون ردیف‌های ۱۲ و ۱۳ این جدول، مشخص می‌شود که قانون تأمین اجتماعی تنها به فاصله ۴۴ روز، در معرض یک اصلاح و الحاق قرار گرفته است. لذا همان‌طور که از جدول پیداست، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی که اغلب از تخصص و دانش حقوقی هم برخوردار نیستند، برای یافتن قاعده مورد نظر، باید با انبوهی از مفاد قانونی پراکنده مواجه شوند. به همین دلیل است که فعالان این عرصه، جهت کار اقتصادی در ایران رغبت چندانی ندارند.

قانون‌گذاران باید در موارد وضع قانون، توجه ویژه‌ای به سیاست‌های کلان بیست‌ساله و پنج‌ساله کشور داشته باشند و براساس اولویت‌های اسناد چشم‌انداز، اقدام به برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری کنند. به عبارت دیگر، روند قانون‌گذاری باید در جهتی باشد که تصویب طرح‌ها و لوایح مصوب، کشور را به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، یعنی ۱۴۰۴، برساند. به این ترتیب، قوانین بدون تغییر و اصلاحیه‌های مکرر، براساس برنامه‌های کلان اقتصادی کشور، به تصویب و اجرا می‌رسند. اما متأسفانه قانون‌گذاری در ایران معمولاً براساس ضرورت‌های پیش‌آمده انجام می‌شود و به همین علت است که قوانین دائماً در حال تغییر و اصلاح هستند (موسوی، ۱۳۸۵، ص. ۲۷).

۵-۱-۲. پراکندگی قوانین

همان‌طور که بیان شد، رویه قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشور به‌نحوی است که اولاً قوانین متعدد و مکرر در یک موضوع وضع می‌شوند؛ ثانیاً در برخی موارد یک قانون با اصلاحیه‌های متعدد و مکرر و همچنین الحاقیه‌های متعدد تغییر می‌کند؛ همچنین وجود مراکز متعدد شبه‌قانون‌گذاری مانند شورای پول و اعتبار،^۶ شورای عالی اقتصاد،^۷ شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوای سه‌گانه^۸ و دیگر شوراها و مجامع قانونی سبب شده است بی‌ثباتی و پراکندگی قوانین به دلیل وجود ناهماهنگی میان مصوبات آن‌ها تشدید شود (مظفری‌خامنه، ۱۳۸۹، ص. ۲۹). در مجموع این رویه‌ها نظامی از قوانین متورم و پراکنده را شکل داده‌اند که به‌شدت با ثبات اقتصادی کشور مغایرت دارد. یک نمونه عینی و مشهود از این مورد مربوط به قوانین نظام مالیاتی کشور است. امروزه بزرگ‌ترین ثمره نظام

۶. این شورا مصوب فصل اول قانون پولی و بانکی کشور است که در ۷ خرداد ۱۳۳۹ توسط بانک مرکزی تصویب شد. شورای پول و اعتبار به‌منظور مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست کلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر امور پولی و بانکی کشور تشکیل شد. ر.ک: قانون بانکی و پولی کشور (۱۳۳۹)، در:

<https://www.cbi.ir/simplelist/1531.aspx>.

۷. این شورا توسط هیئت وزیران در ۲۲ آذر ۱۳۳۴ تصویب شد. شورای اقتصاد به‌منظور تمرکز امور اقتصادی کشور و اتخاذ یک سیاست اقتصادی و ایجاد هماهنگی در امور مالی و اقتصادی کشور تشکیل شد.

۸. این شورا به‌موجب مصوبه قانونی تشکیل نشده است. اولین جلسه آن در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۹۷ برگزار شده است. تصمیم‌سازی درباره اصلی‌ترین مسائل اقتصادی کشور در این شورا انجام می‌شود.

مالیاتی صحیح، عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است که به‌صراحت در بند دوم سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی بدان تأکید شده است. مالیات ابزاری است که می‌تواند توزیع مجدد ثروت در جامعه را عادلانه کند و از گسترش فاصله طبقاتی میان دهک‌های مختلف درآمدی جلوگیری کند (سلمانی بی‌شک، شاهپوردی دولت‌آباد و باستان، ۱۳۹۳، ص. ۸۷). یکی از دلایل عمده ضعف و ناکارآمدی نظام مالیاتی در کشور وجود قوانین و مقررات متعدد، پیچیده و بعضاً متناقض است که کار را برای فعالان اقتصادی و کارگزاران دولتی دشوار کرده است. تغییرات مکرر و گسترده در قوانین مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، احکام مالیاتی موجود در برنامه‌های توسعه بودجه‌های سالیانه و سایر قوانین و در کنار آن‌ها بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های مالیاتی صادرشده موجب درهم‌ریختگی و چندپارگی در قوانین مالیاتی کشور شده؛ به‌طوری که زمینۀ فساد و فرار مالیاتی و به‌تبع افزایش فاصله طبقاتی در کشور را فراهم کرده است (مرکز مالگیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۱).

به‌نظر می‌رسد اتخاذ راهکارهایی همچون سامان‌دهی و تنقیح قوانین موجود،^۹ رویکرد حداقلی در تصویب قانون و نظارت مؤثر بر اجرای قوانین می‌تواند به سیاست‌گذاری صحیح اقتصادی کشور کمک شایانی کند.

۲-۵. تحریم‌های اقتصادی؛ تهدیدکننده‌ترین مؤلفه خارجی در امنیت اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی غرب اثرگذارترین مؤلفه در تهدید علیه امنیت اقتصادی کشور محسوب می‌شود. امروزه تدوین، تصویب و اعمال تحریم‌ها در سه قالب گفتمانی یعنی مقابله با تروریسم، حمایت از حقوق بشر و مقابله با اشاعۀ تسلیحات هسته‌ای و اتمی علیه ایران صورت می‌گیرد. آمریکا و غرب با تصویب معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی^{۱۰} خاص، به تحریم‌های خود جنبه قانونی می‌بخشند. بسیاری از معاهدات بین‌المللی که در سه قالب گفتمانی مذکور تصویب می‌شوند، توسط معدود کشورهای پرنفوذ و لابی‌گر غربی و با هدف تأمین منافع آنان تهیه و تنظیم شده‌اند که نه‌تنها سایر کشورها کمترین دخالتی در تصویب مقرره‌های آن نداشته‌اند، بلکه کنوانسیون‌های مزبور صریحاً مغایر با اهداف و منافع ملی کشورهایی همچون ایران قرار دارند. بدین ترتیب، با پیوستن چندین کشور دنباله‌رو به چنین معاهداتی، موجی شکل می‌گیرد که پذیرش این کنوانسیون‌ها تعهد حقوقی برای کشورها محسوب می‌شود و جنبه الزامی می‌یابد. از همین رو کشورها یا موظف‌اند به چنین معاهداتی بپیوندند یا اینکه منتظر اعمال تحریم توسط جامعه بین‌الملل یا غرب

9. codification

۱۰. کنوانسیون سندی مکتوب است که نتایج اراده متقابل یا تراضی اشخاص و تابعان حقوق بین‌الملل در آن تحت پوشش حقوق بین‌الملل ظهور می‌یابد (فلسفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۷).

باشند. کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم،^{۱۱} کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی^{۱۲} یا همان پالرمو و پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای^{۱۳} یا ان پی تی از جمله مواردی هستند که توسط چندین کشور غربی تنظیم شده اند که رویگردانی از آن سبب اعمال فشارهای اقتصادی همچون تحریم، انسداد دارایی و منع روابط سرمایه گذاری می شود. با توجه به تأثیر ساختار نظام بین الملل از امریکا و غرب، حقوق بین الملل نه تنها تلاشی برای ریشه کن کردن چنین رویه ای نمی کند، بلکه فقط طنین و شمایل زیباتری به آن می بخشد. مثلاً بر طبق حقوق بین الملل معاهدات، پذیرش کنوانسیون فقط زمانی باید صورت گیرد که دولت ها آزادانه رضایت خود را در قبول تعهدات مندرج در کنوانسیون ابراز کنند؛ از همین رو رضایی بودن پذیرش و تصویب معاهدات بین المللی (اعم از دوجانبه یا چندجانبه) یکی از پایه های اصلی حقوق بین الملل معاهدات محسوب می شود که از اصل بنیادین حاکمیت دولت ها و برابری این حاکمیت ها نشئت می گیرد (Brownlie, 2003, p. 287). به موجب این اصل که در معاهده ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات^{۱۴} هم بر آن تأکید شده است، هر معاهده بین المللی یا کنوانسیون باید حاصل تراضی و قصد و اراده دولت ها حول محور اهداف و منافع مشترک باشد. بر این اساس، طبق ماده ۵۲ عهدنامه ۱۹۶۹ حقوق معاهدات،^{۱۵} اراده و رضایی بودن تصویب معاهده و کنوانسیون از چنان برتری برخوردار است که هرگونه عیب و نقص در آن، مانند اعمال فشار اقتصادی یا سیاسی بر دولت، جهت پذیرش معاهده موجب بطلان معاهده می شود. اما برخلاف قواعد صریح حقوق بین الملل معاهدات، رویه کنونی به نحوی است که عنصر اراده و رضایی بودن پذیرش معاهدات در عمل رنگ باخته و به جای آن، تحریم و فشار اقتصادی به جزء لاینفک پذیرش برخی معاهدات خاص تبدیل شده است.

به هر ترتیب باید گفت مواجهه دائمی کشور با تحریم انکارناپذیر است. پس در اوضاع فعلی، باید به دنبال راهی بود تا با حفظ امنیت اقتصادی، اثرات زیانبار تحریم خنثی شود و فراتر از آن، تحریم به فرصت برای رشد اقتصادی کشور تبدیل گردد. با مذاقه در ۵۲ بند سند چشم انداز ۱۴۰۴ و همچنین ۲۴ بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی می توان تحقق این مهم را شاهد بود که در ذیل اجمالاً راهکارهای رسیدن به این هدف بیان شده است.

11. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism (CFT) (9 December 1999), Entry into force: 10 April 2002.

12. United Nations Convention against Transnational Organized Crime (15 November 2000), Entry into force: 29 September 2003.

13. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (Non-Proliferation Treaty (NPT)) (1 July 1968), Entry into force: 5 March 1970.

14. Vienna Convention on the Law of Treaties (23 May 1969).

۱۵. ماده ۵۲ عهدنامه ۱۹۶۹ حقوق معاهدات: معاهده ای که انعقاد آن به وسیله تهدید یا اعمال زور برخلاف اصول حقوق بین الملل مندرج در منشور ملل متحد تحصیل شده باشد، باطل خواهد بود.

۵-۲-۱. استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه

بند ۵۲ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، امنیت اقتصادی و مهار نوسانات ارزی و پولی را در گرو اتخاذ سیاست‌های مناسب پولی و ارزی می‌داند. پیمان‌های پولی دوجانبه از مؤثرترین سیاست‌هایی است که بی‌ثباتی اقتصاد کشور را که ناشی از نوسانات ارزهای خارجی است، به حداقل می‌رساند. زمانی فشار حداکثری امریکا و غرب می‌تواند مؤثر واقع شود که اقتصاد ما وابسته به دلار، یورو و دیگر نظام‌های مالی غربی باشد. یکی از راه‌های ایجاد امنیت اقتصادی در زمان تحریم‌های مالی، تلاش برای حذف دلار و یورو از مبادلات خارجی است تا با هر تحریم از جانب امریکا و اروپا در زمینه ممنوعیت استفاده از این نوع ارزها، کشور دستخوش حوادث و مشکلات اقتصادی نشود. پیمان پولی دوجانبه امروزه یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای انجام تبادلات مالی بین‌المللی است. در این شیوه نوین، به جای استفاده از یک ارز مرجع همچون دلار، از پول کشورهای مبدأ و مقصد برای مبادلات تجاری استفاده می‌شود. در این میان، با توجه به وضعیت فعلی تجارت فرامرزی ایران و اعمال تحریم‌های بانکی و مالی ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا که امکان دسترسی ایران به حساب‌های دلاری و یورویی را بسیار دشوار کرده است، بهترین روشی که می‌تواند جایگاه ریال را در مناسبات بین‌المللی تقویت و بخشی از مشکل تحریم بانکی را حل کند، استفاده از روش پیمان پولی دوجانبه است. از ۲۴ بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در سه بند ۱۰، ۱۱ و ۱۲ به استفاده از شیوه‌های جدید، برای تقویت پایداری تجاری و مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز تأکید شده است که تلویحا به پیمان دو یا چندجانبه ارزی و پولی، به‌منظور متنوع‌سازی درآمدهای ارزی و مقاوم‌سازی تجارت خارجی، اشاره دارد. از این رو با توجه به تحریم‌های ارزی ایران و تنگناهایی که در زمینه نقل و انتقال دلار در کشور به‌وجود آمده، لازم است به این شیوه انتقال مالی بیش از پیش توجه شود؛ چراکه هم تقاضا برای دلار را کم می‌کند و هم با توجه به تحریم‌های ارزی ایران این ابزار فشار را نیز از دشمنان می‌گیرد و با هربار اعمال تحریم، کشور دچار آشفتگی در زمینه اقتصادی، مخصوصا مبادلات تجاری خود، نخواهد شد. یقینا اجرای این سیاست مستلزم توافق دو کشور و بانک‌های مرکزی طرفین در سطوح عالی تصمیم‌گیری است (پیغامی، سمیعی‌نسب، سلیمانی و سیدحسین‌زاده‌یزدی، ۱۳۹۴، ص. ۳۶۷).

۵-۲-۲. ضرورت استفاده از دیپلماسی اقتصادی

مطابق بند ۲۹ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، از ظرفیت سیاست خارجه کشور باید به‌نحوی استفاده شود که این امر منتج به جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی کشور شود. به همین منظور، دیپلماسی اقتصادی بستری است که نیل به این امر را میسر

می‌کند که در ذیل توضیح داده می‌شود.

الف. دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی از مفاهیم کارکردی نوینی است که بسته به نوع ضرورت و شرایط حاکم بر جامعه بین‌الملل، الزاماتی را بر سیاست‌های اقتصادی داخلی و خارجی کشور تحمیل می‌کند. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی هر کشور توانمندی و توسعه اقتصادی است. جهت تحقق این امر، کشورها ناگزیر به تعامل با جهان و مشخصاً نظام اقتصاد جهانی هستند. از آنجا که طبق بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه تعامل‌گرایی با جهان تنظیم شده، بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی اقتصادی مؤثرترین گامی است که دستیابی به این راهبرد را میسر می‌کند. در ادامه به بررسی مقوله دیپلماسی اقتصادی در کشور و نهاد متولی آن یعنی معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه پرداخته شده است.

ب. معاونت اقتصادی وزارت خارجه^{۱۶}

معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه که نهاد متولی دیپلماسی اقتصادی محسوب می‌شود، جهت تحقق امنیت اقتصادی در حوزه سیاست‌های داخلی و خارجی کشور، چهار وظیفه مهم را برعهده دارد:

۱. مشارکت در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی کشور: یکی از وظایف مهم معاونت اقتصادی وزارت خارجه در راستای دیپلماسی اقتصادی، مشارکت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور است. دیپلمات‌های ایران در سفارتخانه‌های کشورها منبع مهم اطلاعات اقتصادی دولت پذیرنده محسوب می‌شوند. هرچند این اطلاعات اقتصادی ممکن است به واسطه داده‌های آماری پایگاه‌های اینترنتی در دسترس عموم قرار داشته باشد، آنچه سبب ارزش اطلاعات دیپلمات‌های سفارتخانه‌ها می‌شود، درک فرهنگ اقتصادی کشور میزبان توسط آنان است. سفارتخانه‌های ایران در بیشتر مناطق جهان، طی چندین سال فعالیت، شناخت خوبی از فرهنگ اقتصادی کشورها پیدا می‌کنند؛ چنانچه از این ظرفیت در جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کشور، متناسب با وضعیت اقتصادی سایر کشورها استفاده شود، شاهد ثبات اقتصادی کشور خواهیم بود؛ چراکه با وقوف بر وضعیت اقتصاد بین‌المللی، خود را فعالانه در برابر بروز هرگونه بحران و اتفاقات سیاسی بین‌المللی آماده کرده‌ایم و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از پیش، متناسب با وضعیت پیش‌آمده، لحاظ شده است و بدین ترتیب، خلل ناگهانی در عملکرد اقتصادی کشور ایجاد نخواهد شد.

۱۶. این بخش حاصل مصاحبه نگارندگان با مسئولان ذی‌ربط وزارت امور خارجه است که بنابه خواسته مصاحبه‌شونده، هویت ایشان نزد نویسندگان مقاله محفوظ است.

۲. هماهنگی میان سایر دستگاه‌های دولتی کشور: یکی دیگر از وظایف دیپلماسی اقتصادی - این بار نه در عرصه بین‌الملل، بلکه در عرصه داخلی - هماهنگی میان دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی به‌منظور تأمین حداکثری منافع اقتصادی کل کشور است. با توجه به آنکه جهت اجرای سیاست‌های کلی اقتصادی در عرصه بین‌المللی، نیازمند هماهنگی و یک‌صدایی دستگاه‌های دولتی مقابل اشخاص بین‌المللی هستیم، این امکان وجود دارد تا هریک از نهادهای مزبور بخواهند منافع سازمانی خود را به منافع ملی ترجیح دهند و اقدام به یک‌سری تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت اقتصادی مقابل طرف‌های خارجی کنند. معاونت اقتصادی وزارت خارجه موظف است با شناسایی اولویت‌های اقتصادی کشور در شرایط تحریم، اقدام به هماهنگی میان دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط کند تا اولاً منافع اقتصادی در سطح کل کشور (نه فقط مربوط یک دستگاه خاص) تأمین شود و دوماً به رغبت طرف‌های خارجی برای فعالیت اقتصادی با ایران افزوده شود.

۳. نظارت بر اجرای برنامه‌های اقتصادی دستگاه‌های کشور: با توجه به نقش حاکمیتی وزارت امور خارجه، این نهاد در راستای عمل به دیپلماسی اقتصادی موظف است با مذاقه در چالش‌های داخلی و بین‌المللی کشور، بر عملکرد اقتصادی دستگاه‌های دولت ارزیابی و نظارت داشته باشد؛ زیرا وزارت خارجه به‌دلیل بی‌طرف بودن به‌واسطه نقش حاکمیتی آن و ذی‌نفع نبودن در منافع سازمانی نهادهای دولتی، عامل مناسبی است تا با اشرافی که بر اولویت‌های حیاتی کشور در شرایط تحریم دارد، اقدام به توصیه و نظارت بر عملکرد اقتصادی نهادها و دستگاه‌های دولتی کند تا با توجه به مناسبات بین‌المللی، منافع اقتصادی کل کشور، تا حد ممکن علی‌رغم فشار و تهدیدات اقتصادی، تأمین شود.

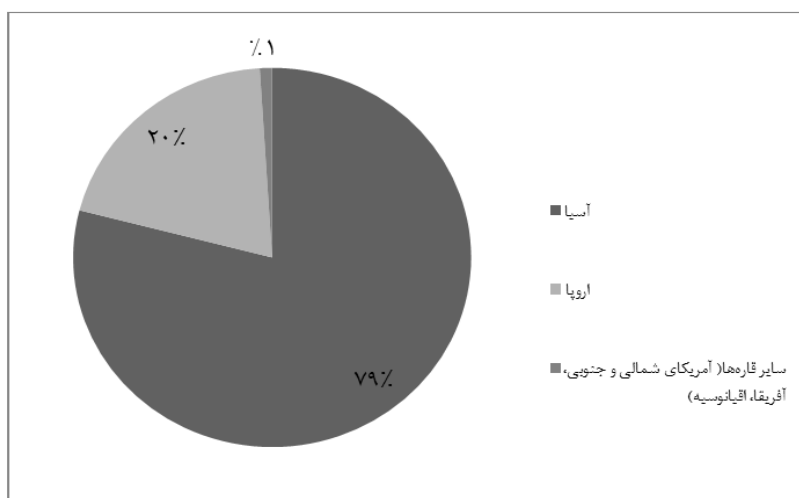
۴. کنترل بر ابعاد سیاسی روابط اقتصادی کشور: گاهی بعضی از مصالح سیاسی و امنیتی کشور ایجاب می‌کند تا با برقراری روابط اقتصادی با کشور منظور، منافع سیاسی کشور تأمین شود. هرچند ممکن است این رابطه اقتصادی در مقایسه با سایر روابط اقتصادی با کشورهای دیگر منفعت کمتری داشته باشد، آنچه که اهمیت دارد مصالح امنیتی و سیاسی نظام است که باید تأمین شود. وزارت امور خارجه با آگاهی از اولویت‌های سیاسی و امنیتی کشور، کنترل روابط اقتصادی کشور را برعهده دارد تا مبدا منفعت ملی قربانی منفعت اقتصادی شود.

از مطالب بیان‌شده برمی‌آید که وزارت امور خارجه در کسوت دیپلماسی اقتصادی رسالت سنگینی را برعهده دارد. وزارت امور خارجه با ارزیابی همه‌جانبه وضعیت جامعه بین‌الملل در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی موظف است تا با انجام وظایف چهارگانه مزبور، منافع اقتصادی کل کشور را تأمین کند. بدیهی است جهت تحقق این امر، همکاری و معاضدت نهادهایی همچون قوه مقننه، بانک مرکزی و سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی با وزارت امور خارجه لازم است.

۳-۲-۵. توسعه روابط و محصولات صادراتی کشور

الف. توسعه روابط صادراتی کشور

یکی دیگر از عوامل تحقق امنیت اقتصادی در ذیل راهبرد اقتصاد مقاومتی، توسعه روابط تجاری کشور است. این مهم امروزه به جایگاه ویژه‌ای از مناسبات اقتصادی کشورها تبدیل شده است. عدم تنوع محصولات صادراتی ایران و محدود بودن مقصد صادراتی آن، امنیت اقتصادی کشور را مقابل تحریم و فشارهای غرب در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد. با نگاهی به مقصد صادرات محصولات ایران در سال ۱۳۹۷ می‌توان متوجه محدودیت روابط تجاری ایران با سایر کشورهای جهان شد.



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۱. بازار هدف محصولات صادراتی ایران

(منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، اداره کل واردات و صادرات به مقصد ج.ا.ایران در سال ۱۳۹۷)

براساس نمودار فوق، ۷۹ درصد از مقصد کالاهای صادراتی ایران به بازار کشورهای آسیایی تعلق دارد که از این میان، ۵ یا ۶ کشور همسایه ایران اصلی‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. کشورهای اروپایی با تصاحب ۲۰ درصد بازار صادراتی ایران در جایگاه بعدی قرار دارند. بدین ترتیب، مابقی کشورهای واقع در حوزه آفریقا، امریکای جنوبی و شمالی و اقیانوسیه مجموعاً ۱ درصد بازار صادراتی ایران را تشکیل می‌دهند. بنابراین بازار هدف صادراتی ایران منحصر به قاره آسیا و عمدتاً کشورهای همسایه است. این امر حضور کم‌رنگ ایران در بازارهای صادراتی

جهانی و بین‌المللی را می‌رساند. در این باره مقام معظم رهبری در بیانات نوروزی خود در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، انتقاد خود از روال حاضر را بدین نحو بیان کردند:

متأسفانه عمده صادرات کشور ما بلکه عمده معاملات تجاری ما از صادرات و واردات، با پنج یا شش کشور است؛ خوب این خطاست، این خلاف اقتصاد مقاومتی است. ما در بندهای اقتصاد مقاومتی روی این هم تکیه کرده‌ایم. یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همین است؛ گسترش صادرات و گسترش طرف‌های صادراتی ما. اینکه ما به پنج کشور یا شش کشور اکتفا نکنیم و خودمان را محدود نکنیم [صحیح نیست] (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱).

همان‌طور که در ذیل بند ۳۵ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم تأکید شده، توسعه روابط تجاری کشور مستلزم افزایش توان رقابتی اقتصاد ملی در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی است. دلیل عمده منحصراً بودن روابط تجاری ایران هم همین امر است. متأسفانه کالاهای ایرانی به دلیل سادگی و عدم تنوع، توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی را ندارند و این معضل موجب شده است تا آزادی عمل ایران برای حضور در بازارهای جهانی گرفته شود.

ب. توسعه محصولات صادراتی کشور (تنوع صادراتی)

مؤلفه دیگری که بر اقتصاد مقاومتی حاکم است، «متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی کشور» است؛ به بیانی ساده‌تر: همه تخم‌مرغ‌ها را درون یک سبد نگذاریم. به این معنا که برای درآمدهای کشور یک سبدی تعریف کنیم که در آن نفت و فروش مواد خام معدنی به لحاظ وزنی درصد کمتری داشته باشد و فروش بخش‌ها و صنایع دارای ارزش افزوده وزن بیشتری به خود بگیرد (کریم، صفدری‌نهاد و امجدی‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۵). نوسانات شدید قیمت نفت در سال‌های اخیر، جایگزین شدن منابع انرژی و بی‌ثباتی سیاسی در عرصه بین‌المللی که چالش‌هایی نظیر تحریم‌ها را برای کشور ایجاد می‌کند، لزوم توجه به افزایش صادرات غیرنفتی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در تحریم‌های اقتصادی، همواره نفت و صنعت نفت ایران گلوگاه اصلی به‌شمار می‌رود. غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا از سال‌ها پیش با پیش‌بینی تشدید چالش‌های سیاسی با ایران، مقدمات تحریم نفتی ایران را فراهم کرد. به‌رغم نشانه‌ها و شواهد آشکار از تحرکات خارجی علیه صنعت نفت کشور، اما در داخل این تحرکات چندان جدی تلقی نشد و باوجود بالا بودن درآمدهای نفتی، اقدامی برای بالا بردن توان رقابتی و توسعه‌ای محصولات غیرنفتی صورت نگرفت. به همین دلیل کشور ایران، طبق شاخص پیچیدگی اقتصادی^{۱۷}، از میان ۱۲۵ کشور، در جایگاه شصت‌وششم در

17. Economic Complexity Rankings

کنار کشورهای هم‌چون اردن، جامائیکا، تونس و مقدونیه قرار دارد.^{۱۸} این شاخص با بررسی و اندازه‌گیری تنوع صادراتی محصولات کشورها، میزان رشد و توسعه‌یافتگی اقتصادی آن‌ها را نشان می‌دهد. عدم تنوع در محصولات صادراتی ایران سبب شده است همواره کشور در طول سالیان اخیر، از جایگاه مناسبی در شاخص پیچیدگی اقتصادی برخوردار نباشد. وقتی بیش از ۷۰ درصد از کل صادرات ایران فقط مربوط به نفت خام است،^{۱۹} شاید نباید چیزی غیر از این انتظار داشت.

اگر کشور از مدت‌ها پیش، یعنی با شروع سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه مسئله نفتی ایران، تکیه‌اش را به این صنعت کم‌می‌کرد و تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع را (مصرح در بند ۳۶ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴) اجرایی می‌کرد، امروزه نه جایگاه اقتصادی ایران در این شرایط قرار داشت و نه اقتصاد کشور با هر نوسان نفتی، تا این اندازه دچار تزلزل و ناامنی می‌گشت. با اقدام و برنامه‌ریزی بر روی صادرات محصولات کشاورزی و همچنین صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان، می‌توان گام مهمی در جهت بهبود شرایط فعلی برداشت.

۴-۲-۵. استفاده از ظرفیت‌های معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی

الف. معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری

یک نمونه از معاهدات دوجانبه بین‌المللی مؤثر در امنیت اقتصادی کشور، معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری است که نسبتاً پدیدۀ جدیدی محسوب می‌شود. این معاهدات قواعدی را به وجود می‌آورند که براساس آن‌ها، سرمایه‌گذاری اتباع دو دولت طرف معاهده در کشور دیگر حمایت می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۲). منطق اصلی انعقاد این‌گونه معاهدات تعهد به حمایت از سرمایه‌ای است که براساس آن جذب می‌شود. کشورهای در حال توسعه به منظور اثبات امنیت اقتصادی سعی می‌کنند در نبود قواعد داخلی شفاف در خصوص سرمایه‌گذاری، دست به انعقاد معاهداتی به منظور نشان دادن حداکثر حمایتشان از سرمایه‌گذار بزنند. برای تشویق کشورهای در حال توسعه به انعقاد این معاهدات، کشورهای غربی توسعه‌یافته هم معمولاً وعده می‌دهند که به افزایش سرمایه‌گذاری در آن کشورها (که معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری منعقد می‌کنند) مبادرت ورزند (زمانی، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۳). از این رو استفاده از ظرفیت‌های چنین معاهداتی میانبری مناسب است تا علی‌رغم نواقص اقتصادی کنونی، به‌تندی به یک امنیت اقتصادی نسبی جهت فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاران رسید. تاکنون ۵۸ مورد معاهدات دوجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری توسط ایران با سایر کشورها منعقد شده است.^{۲۰}

18. <https://oec.world/en/rankings/country/eci/>

19. <https://oec.world/en/profile/country/ir/>

۲۰. سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران
<https://www.investiniran.ir/fa/investmentlicensing/bilateral>

ب. موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی دو یا چندجانبه

موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی^{۲۱} توافقاتی بین دو یا چند کشور است که در آن‌ها تعرفه‌های وضع‌شده بر کالاهای تولیدشده در کشورهای عضو، کمتر از تعرفه‌های وضع‌شده بر کالاهای تولیدشده در کشورهای غیرعضو است (منطقی و تقوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۲). انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه یکی از ابزارهای مهم در توسعه اقتصادی کشورها از طریق ثبات در مقررات و ایجاد امنیت اقتصادی برای فعالان این عرصه خواهد بود که موجب ایجاد زمینه‌های لازم برای تسهیل و توسعه تجارت، تقویت همکاری‌ها و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌شود. به‌طور کلی باید گفت عدم عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی موجب شده است وضع و اعمال تعرفه‌های واردات کالا از ایران به کشورهای دیگر بسیار زیاد در نظر گرفته شود. علاوه‌بر این، چنین وضعیتی موجب می‌شود کشورها راحت‌تر بتوانند موانع غیرتعرفه‌ای علیه کالاهای با مبدأ ایران وضع کنند. بدین سبب انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی می‌تواند بسیار فایده‌مند باشد و هزینه‌های صادرات و واردات را، با به‌حداقل رساندن موانع تعرفه‌ای و رویه‌های نابرابر بین کشورها، کاهش دهد. آخرین نمونه از انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی، موافقت‌نامه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که مورد تأیید شورای نگهبان هم واقع شد. هدف اصلی این‌دست موافقت‌نامه‌ها آزادسازی و تسهیل تجارت کالا از طریق حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است که با ایجاد منطقه آزاد تجاری، کاهش عوارض و مقررات تجاری را در پی خواهد داشت.

۵-۲-۵ بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اقتصادی

طبق بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین بند ۲۸ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله سیاست‌های ابلاغی است که رهبر معظم انقلاب جهت مبارزه با جنگ اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور تبیین کرده‌اند. مزیت نسبی برخی کشورها در تولید انواع مختلف کالاها و خدمات تفاوت‌های اقلیمی و برخورداری از منابع، به‌ویژه انرژی و سایر منابع و در اختیار داشتن دانش فنی و فناوری سبب شده تا تجارت بین کشورهای مختلف از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه باشد و موجب شکل‌گیری اجتماعات اقتصادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی میان دولت‌ها شود (شیروی، ۱۳۹۱، ص. ۴۱). امروزه سازمان‌های منطقه‌ای به یکی از بازیگران و عناصر تأثیرگذار در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. به‌طور کلی یکی از ویژگی‌های مهم حقوق بین‌الملل همکاری در سطح منطقه‌ای است. همکاری منطقه‌ای یعنی فرایندی که دولت‌های منطقه با تشکیل موافقت‌نامه و عضویت در آن

21. Preferential trade agreement (PTA)

بر همکاری‌های متقابل می‌افزایند و از ایجاد تنش جلوگیری می‌کنند (Hettne, Inotai & Sunkel, 2001, p. 31). استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همانند اوپک، اکو، سازمان همکاری اسلامی و... عرصه‌های قابل توجه و مهمی را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور ایجاد می‌کند. از دو طریق می‌توان از ظرفیت چنین سازمان‌هایی استفاده کرد. نخست، عضویت در سازمان‌هایی که نقش مؤثری در سیاست‌گذاری اقتصادی و سیاسی دارند؛ برای مثال عضویت در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) نمونه‌ای از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای است که امکانات و توان نقش‌آفرینی چشمگیری را برای کشور به ارمغان می‌آورد. از جمله امکاناتی که با عضویت در اوپک برای کشورهای عضو از جمله ایران فراهم می‌شود، مدیریت قیمت نفت است. اوپک مهم‌ترین سازمان نفتی است که نقش مهمی در تعیین عرضه و تقاضای جهانی دارد. از همین روست که عضویت و اعمال نفوذ در چنین سازمان‌هایی به بهترین نحو ممکن منافع اقتصادی و سیاسی کشور را در زمان تحریم تأمین می‌کند. شیوه دیگر به‌کارگیری ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، عضویت در سازمان‌هایی است که تا حد ممکن به‌وسیله موافقت‌نامه‌های ترجیحی و یا حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، تجارت و مراودات اقتصادی را بین اعضا تسهیل می‌کنند. در **جدول ۲**، آمار صادرات و واردات ایران در سال ۱۳۹۷ به تفکیک سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آورده شده است.

جدول ۲. صادرات کالا به تفکیک گروه‌های اقتصادی

سازمان	صادرات (ارزش به میلیون دلار)		درصد تغییرات
	سال ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۶	
سازمان همکاری اسلامی	۲۲۰۴۷	۲۰۲۰۵	۹
سازمان همکاری اقتصادی	۷۷۹۶	۸۹۳۳	-۱۳
شورای همکاری خلیج فارس	۷۱۹۰	۷۷۶۲	-۷
کشورهای عضو همکاری جنوب شرق آسیا	۲۱۰۰	۲۱۳۳	-۲
کشورهای مستقل مشترک المنافع	۱۸۲۳	۱۸۷۹	-۳
اتحادیه اروپا	۱۰۶۰	۱۵۲۷	-۳۱

همان‌طور که در **جدول ۲** مشاهده می‌شود، عضویت ایران در سازمان همکاری اسلامی و سازمان همکاری اقتصادی (اگو) سبب شده است تا بالاترین حجم تجارت کشور با اعضای این دو سازمان باشد؛ تا جایی که حدود ۵۰ درصد از کل صادرات کشور به کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی اختصاص دارد. یکی از عواملی که سبب شده عضویت ایران در سازمان همکاری اسلامی تا این اندازه سبب توسعه تجارت کشور شود، وجود موافقت‌نامه‌های ترجیحات تجاری میان کشورهای عضو است. همان‌طور که در میحث قبل هم گفته شد، انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی (چه به‌صورت دوجانبه، چه چندجانبه)، باعث افزایش کل حجم تجارت خواهد شد. نکته دیگر که از **جدول ۲** برمی‌آید، تأثیر تحریم‌های اقتصادی در صادرات کشور است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با شدت یافتن تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷، صادرات کشور به میزان چشمگیری کاهش یافته که نمونه آن افت ۳۱ درصدی صادرات به کشورهای اتحادیه اروپاست. ولی نکته مثبتی که به چشم می‌خورد، اثر نگذاشتن تحریم بر عملکرد تجارت ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است؛ به‌طوری که صادرات ایران به اعضای این سازمان در سال ۱۳۹۷، علی‌رغم تشدید تحریم‌های اقتصادی، نه تنها کاهش نیافت، بلکه رشد ۹ درصدی هم داشت.

برای آنکه سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بتوانند عملکرد مؤثری در اقتصاد و تجارت کشورهای عضو داشته باشند، باید از یک دسته بایدها و نبایدها پیروی کنند تا خود را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کنند. ازجمله این بایدها و نبایدهای لازم جهت عملکرد مؤثر سازمان‌های منطقه‌ای در **جدول ۳** آمده است.

جدول ۳. ضرورت‌های لازم برای ایجاد سازمان‌های اقتصادی

نبایدها	بایدها
تغییرات مستمر در مقررات و ایجاد موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای	ایجاد مناطق آزاد اقتصادی ^{۳۲} در کشورهای عضو
وضع و اخذ عوارض و مالیات‌های متعدد	انعقاد موافقت‌نامه‌های ترجیحات تجاری
اجرای مقررات متفاوت در قبال کشورهای مختلف طرف معامله	آزادسازی تجارت درون منطقه‌ای از طریق حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای
تفکر ملیت‌گرایی و قومیت‌گرایی در کشورهای عضو	ساده‌سازی مقررات گمرک و تجارت کالا
عدم ایجاد نهادهای لازم برای حمایت از تجارت منطقه‌ای در کشورهای عضو	جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی
وابستگی شدید اقتصادی در میان اعضا	حل‌وفصل اختلافات تجاری و غیره با در نظر گرفتن تعهدات بین‌المللی کشورهای عضو

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

۳۲. منطقه آزاد محدوده حراست‌شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی همچون معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، نبود تشریفات زائد ارزی، اداری و مقررات دست‌وپاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرایندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌کند.

ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای با رعایت استانداردهای یادشده نقشی اساسی در پیشبرد اهداف اقتصادی کشورهای عضو خواهد داشت.

۶. نتیجه‌گیری

در جهان کنونی، قدرت کشورها براساس توان اقتصادی آنان شکل گرفته است. شرایط اقتصادی حاکم بر کشور ما ایران امروزه به‌گونه‌ای است که معضل اقتصاد به اصلی‌ترین مسئله اساسی کشور تبدیل شده است؛ چراکه مشکلات ساختاری اقتصادی کشور از طرفی و سیاست‌های تحریمی امریکا و غرب در قبال ایران از طرف دیگر سبب شده است بسیاری از اسناد بالادستی نظام همچون برنامه‌های توسعه و یا سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و همچنین تأکیدات رهبر معظم انقلاب در طول چندین سال گذشته همگی بر درک ضرورت‌های اقتصادی دلالت داشته باشد. رسیدن به قدرت اول اقتصادی در منطقه در افق سال ۱۴۰۴ ایجاب می‌کند که راهبردهای متناسب با آن شناسایی و اجرا شود. گام اول در جهت رسیدن به چنین هدفی ثبات و پایداری در ساختار اقتصاد کشور یا به تعبیر دیگر امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی از دو جنبه قابل بررسی است. امنیت اقتصادی در معنای عام خود، به وجود ثبات در اقتصاد هر کشور گفته می‌شود؛ به‌طوری که شرایط حیاتی اقتصادی جامعه به هر دلیل دچار آسیب‌پذیری و تغییر نشود. امنیت اقتصادی از بُعد دیگر به وجود یک محیط امن و باثبات برای فعالان و سرمایه‌گذاران اقتصادی جهت کسب سود بدون نگرانی و تهدید در درازمدت گفته می‌شود. لذا اهمیت امنیت اقتصادی در هر دو جنبه یادشده به‌حدی است که فقدان آن نه‌تنها ما را از رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز که همان قدرت اول اقتصادی منطقه است، باز می‌دارد، بلکه صدمات جبران‌ناپذیری به پیکره قدرت و امنیت ملی کشور وارد می‌کند. بدین جهت پژوهش حاضر با هدف شناسایی و احصای تهدیدات داخلی و خارجی علیه امنیت اقتصادی کشور به بررسی راهکارهای حقوقی و اقتصادی برآمده از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی اقتصاد مقاومتی پرداخته است تا گامی در جهت توانمندی و توسعه اقتصادی کشور برداشته شود. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نادرست اثرگذارترین مؤلفه داخلی در تهدیدات امنیت اقتصادی است که اتخاذ سیاست‌هایی همچون سامان‌دهی و تنقیح قوانین، رویکرد حداقلی در تصویب قانون و نظارت مؤثر بر اجرای قوانین را می‌طلبد؛ همچنین تحریم‌های اقتصادی غرب عامل اثرگذار بعدی در ناامنی فضای اقتصادی کشور است که در سه قالب گفتمانی تروریسم، حقوق بشر و مسئله هسته‌ای به اجرا درمی‌آید. با تتبع در بندهای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و همچنین ۲۴ بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، لازم است در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور تدابیر ذیل به‌منظور خنثی‌سازی تحریم‌ها اتخاذ شود: حذف دلار و یورو از مبادلات خارجی، استفاده از دیپلماسی اقتصادی جهت تأمین منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌الملل، توسعه روابط و محصولات صادراتی کشور، استفاده از ظرفیت معاهداتی همچون معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری و موافقت‌نامه ترجیحات تجاری و در پایان بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای اقتصادی.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Akhavan Heaveh, H. (2015). *The legal analysis of economic security*. Tehran: Nedaye Karafarin. (Persian)
- An interview with the officers of the foreign affairs ministry (2019). August, 13, 2019, Tehran. (Persian)
- Boroomand, Sh. (2008). *Economic security in Iran and some other selected countries: a comparative study*. Tehran: The Center of Islamic Parliament Research. (Persian)
- Brownlie, I. (2006). *Principles of Public International Law*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Ease of doing business in Iran, Islamic Rep: <https://www.doingbusiness.org/en/data/exploreconomies/iran> , Last Visit: 8/7/2019
- Economic Complexity Rankings: <https://oec.world/en/rankings/country/eci/>, Last Visit: 15/7/2019
- Ezati, M., Ahmadi, A., Anvari, Gh., & Asghari Herandi, M. (2015). "The impact of macro-resistance economic policies on combating against economic sanctions". *Quarterly Journal of Scientific Research of Strategic Defense Studies*, 13(61), 5-30. from: https://journals.sndu.ac.ir/article_759.html (Persian)
- Habibzadeh, T. (2004). "The mutual treaty of investment". *The Office of International Law of IRI*, 30, 251-328. [DOI: 10.22066/CILAMAG.2004.18027] (Persian)
- Hafezi, A., & Goli, Y. (2017). "Analyzing the problems of national economy based on resistance economy in international settings". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 5 (special issue of resistance economy), 1-19. from: http://www.jmsp.ir/article_47922.html (Persian)
- Hasanvand, A., Hasanvand, D., & Nademi, Y. (2018). "The effect of sanctions on Iran's non-oil exports". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(4), 667-684. [DOI: 10.32598/JMSP.6.4.666] (Persian)
- Hettne, B., Inotai, A., & Sunkel, O. (2001). *Comparing Regionalisms: Implications for Global Development*. United Kingdom: Palgrave.
- Issuing the macro-policies of resistance economy, February 18, 2014. from: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>
- Kamali Zadeh, M., & Attar, S. (2018). *Government and economic security in Iran: political necessities for economic security*. Tehran: The Research Institute of Humanities and Social Studies. (Persian)

- Karami, J., & Rasooli, E. (2019). "A comparative study on the macro-economic policies of IRI and long-term economic policies of Russian Federation". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 7(2), 209-225. [DOI: 10.32598/JMSP.7.2.208] (Persian)
- Karim, M., Safdari Nahad, M., Amjadipoor, M. (2014). "Agricultural development and economic resistance: two replacements for oil". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*. 2(6). 103-127. from: http://www.jmsp.ir/article_7371.html (Persian)
- Khosravi, R., & Lazayi, N. (2016). "Economic security in Imam Ali's letter to Malek Ashtar". *Journal of Nahjolbalaghe*, 15(50), 107-133. from: <https://www.magiran.com/paper/1699159> (Persian)
- Kindleberger, Charles P. (1970). *Power and Money: The Economics of International Politics and the Politics of International Economics*. United Kingdom: Palgrave Macmillan.
- Mandel, R. (2008). *The changing face of national security* (translated into Farsi by Institute of Strategic Studies). Tehran: Institute of Strategic Studies. (Persian)
- Manteghi, M., & Taghavi, M. (2008). "The impact of preferential trade agreement on the foreign commercial development using the SMART model: the cases of Iran, Turkey, and Pakistan". *Economic Research*, 8(29), 181-204. from: https://joer.atu.ac.ir/article_3221.html (Persian)
- Markazi Malmiri, A. (2014). *On the macro-policies of resistance economy: stability of the laws*. The Deputy of Economic Research in the Islamic Parliament. from: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/887842>
- Moosavi, S. F. (2006). *The cause of enacting a law and its right time. The Conference on the 100th Year of Law Enactment*. Tehran: The Center of Islamic Parliament Research. (Persian)
- Mozafari Khamene, F. (2010). *The security of investment and economic growth*. Tehran: The University of National Defense. (Persian)
- Peyghami, A., Sami Nasab, M., Soleimani, Y., Hossein Zadeh Yazdi, S. (2015). *Studies in resistance economy: economic sanctions against Iran, principles, aspects, and strategies*. Tehran: Imam Sadegh University. (Persian)
- Rahbar, F., Mozafar Khamene, F., Mohammadi, Sh. (2007). "The problems of investment and its impact on the economic growth of Iran". *Economic Research*, 81, 111-138. from: <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=74610> (Persian)
- Ranjbar, M. (2010). "The importance of economic security in economic policies of the country". *Political-Economic Journal*, 273 & 274, 224-235. from: <https://www.magiran.com/paper/773544> (Persian)
- Salmani Bishak M., Shahvirdi Dowlatabadi, A., & Bastan, F. (2014). "The effect of tax in-

come and economic security in Iran". *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 2(7), 73-90. from: <http://qjfeq.ir/article-168-1-fa.html> (Persian)

Shaghghi, Shahri, V., & Karim, M. (2016). "Economic resistance: economic indigenization in Iran and financial corruption". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 4(special issue of economic resistance), 63-90. from: http://www.jmsp.ir/article_41359.html (Persian)

Shiroadi, A. (2012). *International law of treaties*. Tehran: Nashre Now. (Persian)

Stubbs, R., Underhill, & Geoffrey R. D. (2006). *Political Economy and the Changing Global Order*. United Kingdom: Oxford University Press.

The Commercial Development Organization (The Office of Planning, Statistics, and Commercial-Statistical Research). *A report on the international trade performance of the country in 2018*. from: <http://www.tpo.ir/index.aspx?siteid=1&pageid=5415> (Persian)

The investment organization and the economic and technical assistance of Iran. from: <https://www.investiniran.ir/fa/investmentlicensing/bilateral> (Persian)

The supreme leader's lecture for pilgrims of Imam Reza, March 21, 2017. from: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36091> (Persian)

The supreme leader's lecture for the administrators and officers of Islamic Republic of Iran, June 19, 2006. from: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3344> (Persian)

Torabzadeh Jahromi, M., Sajadieh, A., & Sami Nasab, M. (2013). "Analyzing the aspects and factors of the Islamic Republic of Iran's resistance economy based on Ayatollah Khamenei's perspective". *Journal of Islamic Revolution Studies*, 10(32), 31-46. from: <https://www.magiran.com/paper/1125207> (Persian)

United Nations Development Programme (1994). *Human Development Report 1994*. New York: Oxford University Press.

Vienna Convention on the Law of Treaties (23 May 1969).

Zamani, S. Gh. (2014). *International law of investment* (in Farsi). Tehran: Shahre Danesh. (Persian)

Zamani, S. Gh. (2017). *International law of economics*. Tehran: Shahre Danesh. (Persian)

Zare Shahneh, M., Hatefi Majomard, M., Jalali, O., & Nasrollah, Z. (2018). "The political, economic and costly factors on the capital flight in selected oil countries". *Majlis and Rahbord*, 25(94), 265-295. from: https://nashr.majles.ir/article_264.html (Persian)

Zarehahi, A. (2000). "The political instability and economic security: their impact on production in Iran". *Research Institute of Strategic Studies*, 3(7-8), 222-241. from: http://quarterly.risstudies.org/article_1233.html (Persian)